

درس سیصد و هفتاد و هشتم: صوت ۴۰۰

اختلاف مرحوم آخوند و شیخ بر نحوه رعایت اطراف

علم اجمالی در صورت اضطرار (8)

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض شد اشکالی که بر مرحوم آخوند شده و بسیاری از مقررین و محشین از جمله مرحوم نائینی اشکال کردند این است که تفاوتی که مرحوم آخوند بین فقدان بعضی از افراد علم اجمالی گذاشتند و بین اضطرار به بعضی از اطراف شبهه اجمالی این فرق **فی غیر محلّ** است و عرض شد که حق با مرحوم آخوند است به جهت اینکه در جعل و در عالم تشریع حکم، وجود خارجی موضوع به نحو مستمر و به نحو دوام لحاظ نمی شود ولی در مقام اضطرار و در مقام جعل حکم، عدم اضطرار از شرایط تنجیز یا شرایط فعلیت حکم است بنابراین فرق مرحوم آخوند **فی محلّ** است و دلیل بر این مسئله این است که در باب اجتناب از اطراف شبهه اجمالی در وقت تناول بعضی از اطراف قطعاً مورد دیگر تناول نمی شود چون اگر همه اطراف دفعة واحده تناول بشود بنابراین دیگر شبهه، شبهه اجمالی نیست بلکه این علم تفصیلی است و اینائین مشتبّهین است؛ اگر شما هردو إناء را باهم دفعة واحده تناول کنید این دیگر اطراف علم اجمالی نیست بلکه این اصلاً خودش علم تفصیلی است و از محل بحث خارج است، حرمت تناول اطراف در صورت تدریجی الحصول بودن است یعنی وقتی که شما یکی از اطراف را تناول می کنید صحبت در این است آیا به مجرد تناول یکی از اطراف حرمت حاصل می شود یا بعد از تناول طرف دیگر؟! تمام افرادی که قائل به حرمت تناول علم اجمالی هستند حرمت را از باب مقدمه می دانند نه از باب ذی المقدمه!

از باب مقدمه علمیه بودن حرمت تناول در اطراف اجمالی

اصلاً به طور کلی حرمت تناول در اطراف اجمالی از باب مقدمه علمیه است و مقدمه علمیه در اینجا به تناول أحد الطرفين حاصل می شود و در وقت تناول یکی از طرفین، آن مورد دیگر - سواء اینکه آن منتفی باشد یا منتفی نباشد - چه دخلی به تناول شخص فاعل دارد؟! وقتی که من دارم یکی از آن طرفین علم اجمالی را تناول می کنم خب طرف دیگر چه منتفی باشد یا نباشد به من ربطی ندارد، این برای خودش است؛ من یکی از طرفین را تناول می کنم و بعد می روم پس باید بگوییم که در اینجا اشکال ندارد.

پس هیچ تفاوتی بین فقدان و عدم فقدان نیست و موضوع برای تنجّز علم اجمالی عبارت از وقوع علم است؛ علم در نفس مکلف به مجرد حصول اجتماع در اینجا حاصل می شود فلذا اگر یکی از آن دو طرف علم اجمالی عند المكلف بود و طرف دیگر عند المكلف نبود باز وجوب اجتناب از این طرف حاصل است. من باب مثال مرآتین هستند که أحدهما حرمت مؤبدیه دارند ولی یکی از اینها در بلد مکلف هست و آن فرد دیگر در بلد دیگر است فرض کنید در کره ماه هست بالاتر از این؟! اصلاً وصول به مکلف مستحیل است پس

باید بگوییم که این شبهه، شبهه بدوی است به خاطر اینکه یکی از این طرفین علم اجمالی در دسترس نیست و بعید یا ممتنع الحصول است در حالی که حکم بر آن طرفین می آید و جهتش هم مشخص است؛ لمّیت مسئله در اینجا است که حکم در باب جعل بر فرد خارجی بما هو خارجی نرفته است بلکه بر طبیعت مهمله به لحاظ وقوع خارجی رفته است و در صورت اجتماع أحد الأطراف این حکم در اینجا منجز شده است چون **الخمُرُ تحقّق خارجاً** و صرف تلبّس به مبدأ در مورد تعلق حکم **ولو حدوثاً لا بقاء** در تعلق علم اجمالی کفایت می کند و تلبّس به مبدأ در اینجا حاصل شده است و وقتی که حاصل شده است حالا آن فرد خارجی، مصداق برای حکم است. بسیار خوب آن ربطی به تعلق حکم ندارد؛ این فرد خارجی مصداق برای اجتناب است و این فرد خارجی هم مصداق برای اجتناب است، یکی از این دو مصداق منتفی شدند خب مصداق دیگر به حال خودش باقی است، این چه ربطی به مسئله اضطرار دارد که در مسئله اضطرار جعل اضطرار به موازی با جعل حکم واقعی است **الخمُرُ حرامٌ إلا إذا كان مضطراً، الزنا حرامٌ إلا إذا كان مضطراً** یا بعضی از مسائل دیگر **حرامٌ إلا إذا كان مضطراً** بر این اضطرار در عالم جعل همراه و هم سو و به میزان علم اجمالی جعل شده است و وقوع اضطرار شرط تنجّز تکلیف را برمی دارد. پس در مانحن فیه اگر مکلف مضطر به أحد معین شد یا مضطر به أحد مخیر شد چون اضطرار در اینجا هست پس حکم تعلق نمی گیرد **مِن أَوَّل الأمر**، نه اینکه این خمر حرام است و به محض اینکه به این وقت و به این لحظه رسید که اضطرار محقق شد این یک دفعه حلال می شود. ما این مطلب را قبول داریم ولی در مقام جعل مشروط به عدم اضطرار است بر عنوان خود موضوع نه بر فرد معین، در مانحن فیه اضطرار به مصداق مبهم تعلق گرفته است نه بر عنوان. فرقی چیست؟! فرض کنید در همین مسائل خارجی، اضطرار بر خمر تعلق می گیرد مثلاً خمر همراه من هست و حکم حرمت الآن شاملش می شود تا وقتی که انسان مضطر به خمر بشود نه مضطر به مایع بما هو مائع...

تلمیذ: ...

استاد: باقی شبهه بدویه می شود.

موجود است اما شارع این اضطرار را تنزیلاً و تعبداً وارد بر علم اجمالی کرده است مثل اینکه زنا در اینجا حرام است یا حلال؟ بالاتر از اینکه نیست! علم تفصیلی بالاتر است یا علم اجمالی؟! تفصیلی، این مورد، مورد زنا است فرض کنید مرثه ای حرمت مؤبّد دارد اما انسان در اینجا مضطر می شود به خاطر دم یا به خاطر هر چیزی یا اکل میته مثلاً میته ای در اینجا هست و انسان مضطر است و شارع حفظ نفس را وارد بر علم تفصیلی کرده است پس حفظ نفس می آید این علم را به طور کلی منتفی می کند.

تلمیذ: ...

استاد: نه ایراد را از این نظر نمی توانیم بگوییم وارد است متنها نه از این جهت از این نظر می گوییم که

بله، علم اجمالی به حال خود باقی است تا قیامت هم باقی است اما... آخوند می‌گوید که این علم اجمالی تنجیزش تا وقتی است که از طرف شرع مبریء نیامده باشد. جواب چیست؟ جواب نداریم و ایراد وارد است منتها از یک ناحیه آن ایراد مهم که عجیب است که چطور از این ایراد غفلت کردند و از اینجا وارد می‌شود آن ایرادی که هم بر مرحوم آخوند و هم بر مقررین و هم بر مرحوم آقای حکیم وارد است و همه از این مسئله غفلت کردند و آن این است که حکم در مقام جعل... بله درست است حکم در مقام جعل مشروط به عدم اضطرار است ما این مطلب را قبول داریم ولی در مقام جعل مشروط به عدم اضطرار است بر عنوان خود موضوع نه بر فرد معین و در مانحن‌فیه اضطرار به فرد و مصداق مبهم تعلق گرفته است نه بر عنوان، فرقی چیست؟

فرض کنید طبیب و پزشک برای مداوای مرض شما گفت که باید خمر بخورید یا اینکه فرض کنید الکلی برای یک مرضی [مفید است] یا تریاق حالا اگر ما حالا قائل به حرمت تریاق باشیم، سابق برای مرض خیلی از آن استفاده می‌کردند و اصلاً خیلی از این مداوا با تریاق و این چیزها بود حالا شخصی یک مرضی گرفته مثلاً گوشش درد می‌کند سابق [تریاق] در گوش می‌گذاشتند دندان‌ش درد می‌کند و...، اگر این حکم به نفس عنوان تعلق بگیرد مانع از تنجیز حکم است یعنی شارع می‌گوید: **الْخمرُ حرامٌ إِلَّا إِذَا تَكُونُ مُضْطَرّاً بِالْخمرِ، الزنا حرامٌ إِلَّا أَنْ تَكُونُ مُضْطَرّاً بِالزنا، السرقة حرامٌ إِلَّا أَنْ تَكُونُ مُضْطَرّاً بِهَا** یعنی اضطرار به نفس عنوانی تعلق بگیرد که حکم اولی به آن عنوان تعلق به حکمی از احکام گرفته است، در اینجا مشخص است که آن متعلق حکم از تحت عنوان حرمت خارج می‌شود و به عنوان حلیت برمی‌گردد و اصلاً بحث هم دیگر بحث شبهه بدویه نیست و اصلاً به حلال برمی‌گردد و دیگر شبهه بدوی در اینجا نداریم. ولی صحبت در مانحن‌فیه عنوان خمر نیست بلکه شخص به مایع **بما هو مائع** اضطرار پیدا کرده است اضطرار به خمر پیدا نکرده است و لهذا اگر اینانی بود که **أحدهما خمرٌ** و دیگری آب بود و این مضطر به یکی از اینها شد و بی‌نه شهادت داد که **هذا خمرٌ** آیا می‌توانیم بگوییم اضطرار است و این را بخور؟! نه دیگر این را بخور، مایع را بخور که در اینجا هست.

بنابراین در مانحن‌فیه این بحث پیش می‌آید که وقتی ما از اول علم اجمالی به حرمت داشتیم، الآن مانع از تنجیز علم اجمالی چیست؟! مانعی وجود ندارد. اضطرار عین انتفاء طرفین است؛ ما نسبت به این اضطرار پیدا کردیم بسیار خوب انگار اصلاً روی زمین ریختیم، بالاتر از اینکه نیست! وقتی اضطرار به یکی پیدا کردیم آیا آن علم اجمالی اول ما از بین رفت یا نرفت؟! به حال خودش باقی است. اضطرار به أحد طرفین پیدا کردیم خب آن از باب اضطرار از تحت شبهه خارج شد. خب حکم نسبت به طرف دیگر باقی می‌ماند.

پس اشکال در این نیست که اگر بر علم اجمالی این جنبه اضطرار عارض شد مانع از تحقق علم است و مانع از تحقق حرمت است، در آنجا ما بحث نداریم. بله! اگر در عالم خارج، مورد موردی بود که خود حکم

به اضطرار به معین **بما هو حرام** تعلق گرفت خب اصلاً علم اجمالی از تحت بحث خارج می شود ولی در مانحن فیه اضطرار به آن عنوان تعلق نگرفته است بلکه به مصداق تعلق گرفته است، نه مصداق **أنه حرام** بلکه مصداق **أنه مائع**، به مایع تعلق گرفته است حالا اگر فرض کنید که علم داشتید یا برای شما ظن پیدا شد، - حتی ظن هم در اینجا منجز است - یبینه برای شما در اینجا شهادت داد، بعداً در اختیار مختبر برایتان علم حاصل شد این خمر است و اضطرار هم پیدا کردید آیا این موجب می شود شما خمر را بخورید؟! نه، کی شارع گفته خمر را بخورید؟! آن مایع دیگر را بخور! اضطرار فقط گفته که شما مایعی بخورید تا نمیرید، حالا باید حتماً خمر بخورید؟! نه، آب بخورید!

تلمیذ: ... موضوع علم اجمالی که اینان مشتبهین است

استاد: می خواهم بگویم که اضطرار چقدر قدرت دارد؟ زور اضطرار در مانحن فیه چقدر است؟ آیا اضطرار در یک هم چنین موردی حتی شامل آنجایی می شود که علم به حرمت هم دارید؟! نه، یک وقت اضطرار به خود عنوان تعلق می گیرد؛ طبیب می گوید: آقا باید خمر بخورید، در اینجا حکم تعلق پیدا نمی کند ولی یک وقت اضطرار به مایع است یعنی برای اینکه نمیرید باید یک مایع بخورید مثلاً آب بدن شما الآن کم شده است و تا شما را می خواهند به بیمارستان برسانند ممکن است تلف بشوید لذا مایع باید جایگزین آن مایع قبلی بشود حالا چه خمر پیدا شد - إن شاء الله! که حلالاً طیباً می شود! - یا غیر خمر پیدا شد، حالا شما می گوید که من خمر را می خواهم بخورم چون مضطر هستم! نه خیر بیخود می خواهید بخورید! الآن این مایع دیگر هست بنابراین در اینجا این قضیه فرق می کند.

تلمیذ: عنوان اضطرار در اینجا صدق می کند؟

استاد: بله!

تلمیذ: وقتی ظن داریم یک مایع خمر است و مایع دیگری هم باشد که مایع باشد، وقتی احتمال خمریت نمی دهیم اینجا باز هم اضطرار است؟

استاد: باز هم اضطرار است به جهت اینکه مورد موردی شده که یک قسمت مورد از تحت تکلیف مکلف خارج است؛ یعنی مورد قابلیت برای جهت اضطرار به کلاً الطرفین را دارد. چون بحث، بحث اضطرار است یعنی عنوان اضطرار آمده متها در این عنوان اضطرار چون می توان دفع اضطرار را به شرب حلال کرد بنابراین نمی تواند شرب حرام بکند ولی اضطرار به حال خودش باقی است؛ مورد، متعلق اضطرار است فلذا اگر در همان موقع که می خواهد حلال را شرب بکند منتفی می شود اضطرار می گوید که این را بخور! چون مورد، متعلق برای اضطرار شده است محل اضطرار است ولی وقتی دفع اضطرار را می شود به شرب حلال کرد چرا شرب به حرام بکنید؟!

این اشکالی است بر مرحوم آخوند و بر سایر افراد از محشّین که قائل به جواز اقتحام بعد از اضطرار در أحد اطراف هستند و هیچ مفرّی از این اشکال نیست. البته راجع به این قضیه ما مطلب را بعداً می‌گوییم. حالا در اینکه موارد باهم چه فرقی می‌کنند را در آخر تنبیهات بحث برائت می‌گوییم.

اللهم صل علی محمد و آل محمد